

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعیم سلیمی - کابل / افغانستان
۲۶ دسمبر ۲۰۲۳



کشتار تدریجی زحمتکشان کابل



یاددهانی!

درین روزها، شروع از اواخر فصل خزان و داخل شدن به فصل زمستان آب و هوای شهر کابل و دیگر شهر های بزرگ و پرجمعیت کشور مانند دوران دولت دست نشانده و پوشالی افغانستان [جمهوری اسلامی] ببنهایت آلوده گردیده و تکالیف گوناگون تنفسی، قلبی و... را میان مردم به بار آورده است.

در حالی که این مضمون را در پایان زمستان سال ۲۰۲۰، حدوداً سه سال قبل به نشر سپرده بودم؛ ولی بنابر رابطه تنگاتنگ احکام و نتیجه گیری آن با زمستانی که پیشرو داریم بعد یک ویراستاری، مجدداً بازرسانی و روزرسانی می نمایم.

بالاحترامات فائقه

سلیمی

کشتار تدریجی زحمتکشان کابل

صنعتی شدن زندگی و تولید گاز ها و ذرات آلوده و معلق در هوا سلامتی مردم افغانستان در مجموع و به خصوص پایتخت نشینان را، تحت تأثیر قرار داده و به صورت کل آلودگی هوا برای تمامی افراد جامعه مضر بوده، ولی کودکان، سالمندان، زنان باردار و بیماران قلبی و زحمتکشان تهیدست و محروم جامعه بیشتر از همه در معرض آسیب و خطر مرگ خاموش و غیر مرئی قرار دارند که در نتیجه آن شهر کابل درین اواخر در صدر آلوده ترین شهر های جهان جای داده شده است.

باشندگان کابل به تدریج می میرند و آلودگی ها برای آنها به عنصر کشنده تر از قیمت جنگ های گذشته تمام شده که باید ریشه های آن را در پالیسی های برخاسته از خود بیگانگی مردم ما از محیط زیست بنابر مقدم شمردن منفعت مافیائی قدرت حاکمه دولت پوشالی ثروتمند به قیمت بدبختی و فقر اکثریت بزرگ محروم جامعه ما، جست و جو نمود.

هر چند آمار رسمی و دسته بندی شده از تلفات ناشی از آلودگی هوا در افغانستان در دسترس نیست، اما بر اساس گزارش های " نهاد آلودگی هوای جهان " در سال ۲۰۱۷ بیش از ۲۶ هزار مورد مرگ و میر در کشور مرتبط به این آلودگی پنداشته شده که بیش از ۱۹۴۰۰ آن به آلودگی هوای خانه ها و محلات زیست مرتبط دانسته می شود.

درک این مطلب و ریشه شناسی آن برای جامعه روشنفکری ما و مردم افغانستان از آن جهت اهمیت دارد که رژیم دست نشانده کابل که خود بخشی از عامل چنین مصیبتی در دو دهه گذشته می باشد، سعی می نماید تا اذهان عامه را زیر بهانه های راه حل های کوتاه مدت کاهش روز های کاری در ادارات دولتی، پوشیدن پوز بند ها، بستن بلند منزل ها، حمام ها و جلوگیری از مواد سوختی بدون کیفیت مانند زغال سنگ و امثالهم آماده سازی برنامه های طویل المدت قبل از آغاز فصل سرما و غیره، مغشوش بسازد و از خشم و غضب مردم ما علیه اشغال، تجاوز و رژیم بکاهد.

برای داخل شدن به مبحث " از خود بیگانگی " انسان نسبت به طبیعت و سیاره زمین و درک درست موضوع این مقال برخی از آموزه ها و دیدگاه های فریدریش انگلس، مؤرخ و یک تن از دانشمندان علوم اجتماعی المان (۲۸ نومبر ۱۸۲۰ - ۵ اگست ۱۹۸۵) را می خوانیم که واقعاً جالب و خواندنی است:

« بگذارید تا بیش ازین در مورد پیروزی های انسان بر طبیعت افتخار نکنیم. در بدل هر پیروزی، طبیعت از مانتقام می گیرد؛ درست است که هر پیروزی در قدم اول نتیجه ای را که ما توقع داشتیم به ارمغان می آورد، ولی در گام های دومی و سومی اثرات کاملاً متفاوتی را که غالباً غیر قابل پیشبینی می باشد با خود به همراه دارد. مردمی که در بین النهرین، یونان، آسیای صغیر و هر جای دیگر که جنگلها را برای به دست آوردن زمین های قابل کشت تخریب نمودند

، هیچ گاهی تصور نمی نمودند که یکجا با امحاء آنها مراکز تجمع و ذخایر رطوبت را که آنها اساسات کنونی را طرح ریزی می نمودند ، حالت آن کشور ها را به متروکه مبدل سازد . زمانی که ایتالیائی های آلپ جنگلهای نا جو را در دامنه های جنوبی کاملاً به مصرف رساندند که محتاطانه در دامنه های شمالی آلپ محافظت می شدند ، لا اقل نمی دانستند با انجام چنین کاری چشمه های آبی کوهستانی را در بیشترین اوقات سال از دست می دهند ...» (۱)

همچنان انگلس یاد آور می شود که « اقتصاد سیاسی کلاسیک ، علوم اجتماعی بورژوازی (سرمایه داری) ، در اساس و قاعده صرفاً اثرات اجتماعی کردار انسانی را در عرصه تولید و مبادله که منظور اصلی را در زمینه تشکیل می دهد، مورد بررسی قرار می دهد.

این مطلب کاملاً با سازمان اجتماعی که در نظر و تیوری خود را تبارزمی دهد، مطابقت دارد.

سرمایه داران انفرادی در تولید و مبادله به منظور به دست آوردن منفعت فوری دخیل می باشند که صرفاً نزدیکترین نتایج آنی را در نظر دارد.

تا زمانی که مولد و تولید کننده انفرادی و یا تاجر متاع تولیدی را به فروش رساند و یا این که کالای مصرفی را با مفاد مطلوب همیشگی خریداری نماید ، در آن صورت وی قناعت حاصل می نماید و خودش را با آنچه که بعداً با این کالا و خریداران آن چه می گذرد ، مشوش نمی سازد . همین مطلب می تواند در اثرات چنین عملکردی مصداق طبیعت نیز باشد .

منافع کشاورزان اسپانیا در کوبا ایجاب می نمود تا جنگلهای دامنه های کوهستانی آن کشور را برای به دست آوردن کود کیمیائی مکفی از خاکستر آنها برای نسلی از درختان قهوه با مفاد بلند و گزاف ، بسوزانند ...» (۲)

کارل مارکس و فریدریش انگلس در رابطه با ظرفیت پنهانی نظام سرمایه داری مبنی بر ایجاد از خود بیگانگی تمامی موجودات خلقت هستی از محیط زیست آنها در اثری به نام " ایدئولوژی جر منی " خاطر نشان می سازند که :

« ماهیت ماهی " در موجودیتش در آب نهفته است " ... جوهر ماهی آب زلال عبارت است از آب دریا. مگر اخیرالذکر یعنی آب دریا دیگر نمی تواند ماهیتی برای ماهی باشد زیرا که بزودی در خدمت صنعت قرار می گیرد و توسط رنگ ها و سایر محصولات آشغالی آلوده می گردد و کشتی های بخاری در آن شنا می کنند و یا این که بزودی به کانال ها می ریزند که در آنجا فاضل آب عادی می تواند ماهی را از واسطه وجودی آن ، محروم سازد » (۳)

لازم به یاد آوری می دانم این که ناکامی و نادیده گرفتن ستراتیژیک نتایج درازمدت غیر قابل پیشبینی کردار انسانی طوری که در یادداشت های مارکس و انگلس مشاهده نمودیم تحت حاکمیت و سلطه نظام سرمایه داری به بالاترین تضاد و تناقض هم به پیمانۀ تخریب محیط زیست و همچنان به مقایسه و میزان نتایج نامطلوب علمی و مادی آن جهت غلبه بر تخریبات مورد بحث در گذشته و حال زندگی بشر منتج می شود که آلودگی های زهر آلود جاری در شهرهای کابل ، دهلی ، تهران و حتی کشور های بزرگ جهان مانند چین ، ایالات متحده امریکا و سایر کشور ها و به خصوص ممالک عقب مانده ، فقیر و روبه انکشاف ، مصداق عینی درینمورد ، می باشد . امروز ما به وضاحت کامل مشاهده می کنیم که حکومت ها به طور آشکار خود را در برابر تسلیحات نظامی جهت برآورده شدن منفعت ملی گروهی از سرمایه داران ، متعهد می دانند.

کاپیتالیسم به طور مداوم و به شیوه برگشت ناپذیری با نگهداشت و حفظ سیاره زمین ، در مطابقت و سازگاری قرار ندارد . مطالعات و بررسی هائی که در سال ۲۰۰۰ توسط ۵ مرکز تحقیقاتی بزرگ اروپائی و ایالات متحده امریکا در زمینه صورت گرفته گواهی از آنچه گفته آمده می دهند :

« اقتصاد های صنعتی از لحاظ استفاده از مواد بیشتر مؤثر و بهره ور می شوند ، مگر اسراف و به هدر دادن مواد در آنها فزونی حاصل می نماید ... حتی طوری که فاصله و جدائی میان رشد اقتصادی و حد اکثر میزان و ظرفیت منابع بر اساس هر واحد سرانه در تولید ناخالص داخلی عرض اندام می نماید که در کل ازدیاد را در استفاده از منابع و میزان اسراف در طبیعت ، نشان می دهد . ما نتوانستیم هیچگونه مدرک و ثبوتی مبنی کاهش قطعی درین زمینه ، دریافت نمائیم . یک و نیم بر سه ربع منابع سالانه ورودی در اقتصاد های صنعتی در جریان یک سال بشکل مواد فاضله دوباره به طبیعت بازگشت مینمایند.» (۴)

در مقدمه این جستار مختصر به صنعتی ساختن جامعه در دو دهه گذشته به قیمت نابود سازی محیط زیست سالم و سلامتی حیات ملیون ها انسان زحمتکش کشور ما اشاره گردید که منظور از آن مخالفت با سیاست صنعتی ساختن متوازن و معیاری محیط زیست نیست.

حال برای روشن شدن موقف و دیدگاه طبقاتی تنگ نظرانه نظام سرمایه داری جهت بدست آوردن منفعت فوری و نتایج آنی در جریان پروسه تولید و مبادله کالا ها و بخصوص نسخه کثیف و کاپی شده آن در افغانستان به چند نمونه مثالی در زمینه می پردازم .

- [تلاش برای انجام معامله استثنایی حکومت دست نشانده در زمینه تخفیف ۹۰ درصد قیمت زمین به شرکت الکوزی: «در ماه سرطان سال گذشته [منظور سال ۲۰۱۶ میلادی] ، در ارگ ریاست جمهوری سندی در مورد فروش زمین دولتی به یک شرکت خصوصی امضا شد که در آن قیمت هر متر مربع زمین ۲.۵ دالر تعیین شده بود . فروش زمین با رقم ۲.۵ دالر یا ۱۶۷ افغانی که قیمت یک جریب زمین آن ۵ هزار دالر می شود ، در شهر کابل بی سابقه بوده است . در حالیکه بر اساس گفته های رئیس کمیسیون عدلی و قضایی قیمت یک جریب زمین بصورت میانگین ۶۰۰ هزار دالر امریکایی است . به این ترتیب بر مبنای اطلاعات روز ، حکومت در فروش ۱۴۳.۵۴ جریب زمین به شرکت الکوزی ، تخفیف ۹۰ درصد قایل شده است.» (۵)

در شعار و اعلان تجارتي شرکت الکوزی می خوانیم : «چیزیکه فردا ممکن است ، امروز بدست می آوریم»؛ بلی برای الکوزی و امثال آنها مهم نیست که فردا چه بلایی بالای مردم شهر کابل اتفاق می افتد ، بلکه هدف آنها این است که همین حالا و بطور آنی مفاد را به جیب کنند و بس ؛ این شرکت به بهانه فراهم سازی اشتغال برای ۱۷۸۱ هزار نفر ، در واقعیت زندگی و سلامتی کارگران را از آنها می گیرد.

خواننده گرامی شاید تصور نماید که در نمونه مثال مورد نظر ما با اشتغال مردم لجاجت می نمائیم که چنین نیست ؛ گفتنی ها در مورد این قرار داد و مبانی حقوقی و قانونی آن زیاد اند ، ولی بطور اختصار یاد آور می شوم اینکه در ماده اول قرار دادی که میان شرکت الکوزی و حکومت منعقد شده ، مبنای قانونی آن به حکم فقره ی یکم ماده سوم و مواد سیزدهم و چهاردهم قانون « قرار داد های تجارتي و فروش اموال » ارجاع داده شده است .

عبدالعلی محمدی حقوقدان و مشاور پیشین حقوقی رئیس جمهور ضمن اظهاراتی در جریان گیر و دار گرما گرم قرار داد فوق الذکر به روزنامه اطلاعات روز مدعی شد که قانون « قرار داد های تجارتي و فروش اموال هیچ ربطی به فروش زمین دولتی ندارد و موادی که در ماده اول قرار داد آمده هیچ مبنای قانونی برای این قرار داد تعریف کرده نمی تواند ؛ این قرارداد بر اساس قانون خاص خودش (قانون تنظیم امور زمین داری) مشخص میشود »

نکته قابل ملاحظه که جان مطلب را درین راستا وانمود می سازد و در کل اجماع حقوقی در مورد آن وجود دارد این است که حسب مفردات و مواد قانون تنظیم امور زمین داری فروش زمین های بکر و بائر بر اساس مزایده صورت می گیرد که چنین نشد و در عین زمان قیمت زمین بایستی از جانب کمیسیون ارزیابی و تسلیم دهی زمین (وزارت معادن ،

وزارت مالیه ، اداره آبدات تاریخی ، وزارت اطلاعات و فرهنگ و اداره جیودوزی و کارتوگرافی (تثبیت می شد ، نه کمیسیون عالی سرمایه گذاری.

تا جاییکه موضوع به بکر و بائر بودن زمین فروشی مورد بحث میگرد ، باید خاطر نشان گردد این که چنین زمینی را « موات » می خوانند که به معنی زمین مرده است و منظور از آن یک زمین بیابانی دور دست در اطراف تپه ها و یا دشت هایی می گردد که مشمول مالکیت عامه دولت است که هیچ متخصص قانون نمی تواند حوالی و حواشی شهر را به معنی زمین « موات » و بکر و بائر تلقی نماید زیرا که این زمین در خواجه رواش کابل و آن هم در یک موقعیت مهم ، در کنار میدان هوایی بین المللی کابل موقعیت دارد.

اعتراض مردم محل

شورای مردمی قابلبای و وکلاء گذرقریه های اطراف این زمین (ملکیت ریاست هوانوردی ملکی) و ورزش کاران و جوانان زون شرق کابل و مردم ناحیه نهم شاروالی در آن زمان طی اطلاعیه رسمی به دلیل نزدیکی محل ساخت کارخانه های شرکت الکوزی در این زمین و نزدیکی آن با مناطق رهاپشی و مسکونی اعتراض نمودند و طی آن خاطر نشان ساختند که در شروع و ختم این ساحه دو باب مکتب (لیسه عالی قابلبای و مکتب متوسطه خواجه رواش) با بیش از ده هزار دانش آموز موقعیت دارند که بر اساس نورم و استاندارد های ملی و برنامه های انکشاف شهری ، ساخت کارخانه های تولیدی بدون مدنظر قرار دادن شرایط محیط زیست یک خطا و اشتباه بزرگی است که عواقب ناگواری را در قبال دارد؛ این اعتراض از جمله ناشنیده های اند که کمتر در مورد آن شنیده شده و بنابر تبلیغات اشتهازی حلقات حاکم در جو سیاسی حکومت پو شالی کشور از توجه و یک فراخوان گسترده ی که لایق آن است ، برخوردار نگردید.

رشوه ستانی نماینده گان دولت از شرکت الکوزی:

«منابعی به اطلاعات روز گفته اند که شرکت الکوزی در عوض فروش این زمین و تسهیل گری افراد در امضای قرار داد تا یک ملیون دالر به شماری از اعضای کمیسیون عالی سرمایه گذاری و نمایندگان دولت رشوه پرداخته است . شریفی بلخی نماینده مجلس در این زمینه به اطلاعات روز گفت که : « در جریان بررسی های کمیسیون متوجه شدیم که در بدل این معامله ی غیر قانونی و باطل ، به هر وزیر و معینی که در قرار داد دخیل بوده است ، ۱۰۰ هزار تا یک میلیون دالر داده شده است . »

همچنان یک عضو برجسته پیشین حکومت وحدت ملی به شرط عدم افشای نامش در آن زمان بازم به همان روزنامه اطلاعات روز یاد آور شد که « بر اساس گفته های خود عبدالرحمن الکوزی این شرکت به ستاد انتخاباتی آقای غنی در دور اول و دوم انتخابات کمک های نقدی چشمگیری کرده است.

یک عضو برجسته ستاد تحول و تداوم (ستاد انتخاباتی رئیس جمهور غنی) به اطلاعات روز گفت : در دور اول انتخابات ، ستاد با کمبود بودجه ی مالی روبه رو بود . ما وقتی می میدیدیم که ده هزار دالر به ستاد رسیده ، خوشحال می شدیم . اما در دور دوم کمپاین به لطف کمک های الکوزی با این مشکل روبه رو نشدیم و حتی آقای غنی از وجوه کمک شده به ستاد انتخاباتی ، مبلغ هنگفتی را هیچ نتوانست مصرف کند .

یک چهره برجسته سیاسی سیاسی و حکومتی به اطلاعات روز گفته که : در اول انتخابات شرکت الکوزی به عطا محمد نور ، عبدالله عبدالله ، زلمی رسول و اشرف غنی پول می داد . اما وقتی مشخص شد که غنی برنده می شود ، این شرکت کمک هایش را به ستاد اشرف غنی منحصر کرد و حتی بازرگانان را برای کمک به ستاد اشرف غنی بسیج نمود

. این مقام افزود که به همین دلیل ، غنی پس از به قدرت رسیدن ، زمینه ی فروش ۱۴۳ جریب زمین را به این شرکت آماده ساخت . مالیات سیگار را برای این شرکت پایین نگهداشت و قرار داد بند سروبی را به شرکت داد .»

-2-تاسیس فابریکه های ذوب آهن بدون سند کیفیت محیط زیستی در افغانستان:

قرار اطلاعات موجود از نشریه دوپچه وله در سال ۲۰۱۵ بیش از ۱۰ فابریکه ذوب آهن در کابل و ولایات افغانستان فعالیت دارند که فابریکه ذوب آهن " خان ستیل " یکی از آن ها را تشکیل می دهد که سنگ تهادب آن در مساحت ۱۵ جریب زمین با سرمایه ۲۵ ملیون دالر با شرکت مقامات دولتی نظام پوشالی افغانستان و هیئت رهبری اتاق های تجارت و صنایع در شهرک صنعتی کابل به تاریخ ۲۹ میزان ۱۳۹۴ ، گذاشته شد .

شبکه اطلاع رسانی افغانستان به تاریخ ۱۰/۱۱/۱۳۹۸ مضمونی را زیر عنوان « شکایت شهروندان از ادامه آلودگی هوای شهر کابل » به نشر سپرد که در آن پرده از غیر معیاری بودن محیط زیستی این فابریکه میبرد دارد که در قسمتی از آن چنین می خوانیم :

«خانواده های که در نزدیک پارک های صنعتی در کابل زیست می کنند می گویند که سوخت های غیر معیاری در کارخانه های ذوب آهن ، زندگی را برای آنان دشوار ساخته است .
به گزارش طلوع ، باشندگان این بخش کابل می گویند که کارخانه خان ستیل بیشتر شب هنگام فعالیت می کند و اعضای این خانواده ها را به بیماری های تنفسی مبتلا ساخته است .
در همین حال ، نهادی که به کارخانه های صنعتی در افغانستان سند کیفیت می دهند می گویند که کارخانه خان ستیل سند کیفیت محیط زیستی ندارد .

فرهاد ، باشنده کابل گفت : « همین جا جناب رییس صاحب آمد این شرکت را افتتاح کرد تقریباً یک سال همیشه یک سال پیش خدا گردنمه بسته نکه همین شرکت را افتتاح کرد حالا شام که میشه تا صبح همین یک چیز استفاده می کنند آهن را آب می کنند بسته منطقه ما را دود می گیرد سیاهی میگیرد.»
در قسمت دیگری ازین نوشته گزارش شده که « امیر خان باشنده کابل گفت : دیگر که میشود دود زیاد می شود شام قسمی دود است که در ده متری نمی توانیم کسی را ببینیم. »

مضحک تر از همه این است که آقای خان محمد وردک که مالک این کارخانه است ، در عین حال رئیس کمیسیون محیط زیست مجلس نماینده گان افغانستان می باشد که با بیرون دادن دود های زهر آلود از فابریکه خودش به حیث یک نمونه مثال مردم ما را با مرگ تدریجی تهدید نموده و به هلاکت می رساند .

در پایان این جستار و نتیجه گیری یادداشت های از کارل مارکس را پیرامون نسخه جلوگیری از کاهش منابع طبیعی جهت نگهداشت و ایجاد برخورد متوازن اکولوژیک در برابر طبیعت که در جلد سوم کاپیتال (سرمایه) اثر ماندگار وی بازتاب یافته و مصداق حالت کنونی سیاره ما و همچنان وضعیت موجود افغانستان می باشد با خوانندگان گرامی شریک می سازم:

«از نقطه نظر صورت بندی تشکل بالاتر اجتماعی / اقتصادی مالکیت خصوصی منحصر به افراد در زمین مانند مالکیت خصوصی یک انسان بر انسان دیگر غیر منطقی به نظر میرسد. حتی تمامی یک جامعه ، یک ملت و یا همزمان یکجا با آن تمامی جوامع موجود مالکین کره زمین نمی باشند ، آنها حقیقتاً متصرفین ذینفع آن هستند که باید آنرا با یک وضعیت اصلاح شده آن به نسل های بعدی به مثابه [مسوولین شایسته خانواده بشری*] ، واگذار نمایند .» (۶)

پایان

- ۱- فریدریش انگلس ، نقش کار در تکامل انسان ... ، منشا خانواده ، مالکیت خصوصی و دولت (مؤسسه نشریاتی بین المللی نیویورک ، سال ۲۰۰۷) ، ۲۶۰ - ۶۱ ؛
 - ۲- باز هم همانجا ؛
 - ۳- کاپیتال کارل مارکس ، جلد یکم (مؤسسه نشریاتی نیویورک ، ۱۹۶۷) ، ۱۱۲ ؛
 - ۴- اقتباس از جیمز گوستاو اسپت ، پلی در انتهای جهان : کاپیتالیسم ، محیط زیست و عبور از بحران بسوی ثبات و توازن
(New Haven, CT ,Yale University Press , 2008) , 56
 - ۵- معامله استثنائی حکومت ؛ تخفیف ۹۰ درصد قیمت زمین به شرکت الکوزی ، اطلاعات روز ، سه شنبه ۲۳ می ۲۰۱۷ ؛
 - ۶- اقتباس از جان بلامی فوستر ، انقلاب اکولوژیکی : صلح با سیاره زمین (نیویورک ، مطبوعه بررسی و بازرسی ماهوار 2009) ، 181
- *Boni Patres Familias